

کوفه: پایگاه فعالیت شیعیان

دو عامل مهم که باعث شده بود بر تعداد جمعیت کوفه افزوده شود ،
اول امواج تازه واردین عرب بنام " روادف " بود که در شماره قبل به
آن اشاره گردید اکنون نوبت عامل دوم است :

دومین جریان کوفه ، امواج تازه ایرانیان بود دلائل فراوانی برای حرکت آنان
به سوی کوفه و شهرهای دیگر وجود داشت در میان آنها سه گروه حائز اهمیت
بودند :

۱- اسرای زیادی از فارس به جنگ مسلمانان عرب افتاده بود که آنها را با
خود به کوفه آورده بودند اکثر آنان به زودی اسلام را از اربابان عرب خود
پذیرفته و آزادی خود را باز یافته بودند ولی به صورت هم پیمان تحت حمایت
آنان زندگی می کردند .

۲- وابستگی جغرافیائی که بر روی مرز عراق و ایران قرار گرفته و شهر را
برای مهاجرت ایرانیانی که وسائل زندگی خود را در اثر جنگ از دست داده بودند
مناسبترین محل می ساخت کوفه برای آنان فرصتهای تازه ای به وجود آورده بود
به همین نحو ، تعداد زیادی از روستائیان با سقوط نظام فتووالیته ساسانی و آزادی
حکومت اسلامی برایشان به ارمغان آورده بود کوفه ، جذاب ترین محل برای زندگی
آنان بود .

۳- چون ایرانیان از ظلم و ستم شاهان ساسانی به تنگ آمده بودند، لذا نمی خواستند برای حفظ رژیم منحل ساسانی از دل و جان با اسلام و مسلمانان جنگ کنند این بود که به صورت گروهی و یا فردی به لشکر اسلام پناهنده می شدند و در تاریخ نمونه های فراوانی وجود دارد از آن جمله می توان از گارد مخصوص شاهنشاهی نام برد که تعداد آنها ۴۰۰۰ نفر بود که یکجا خود را تسلیم کردند و آنان از آغاز تاسیس کوفه در این شهر اقامت گزیدند.^۱

علاوه بر این در میان اسیران جنگی تعداد زیادی از زنان وجود داشت که بهره فاتحان عرب خود شده بودند این زنان به همسری مشروع اسیر کنندگان درآمد و فرزندانیشان به دنیا آورده بودند، نتیجه این بود که در زمانی کمتر از بیست سال، در حدود زمانیکه علی (ع) به کوفه آمد، نسل جدیدی از اعراب در کوفه وجود داشتند که از طرف مادر ایرانی بودند.

در نتیجه این جریانات تازه، جمعیت کوفه در مدت چند سال حتی قبل از پایان خلافت عمر، به صورت چشمگیری افزایش یافته بود به فاصله کوتاهی پس از مرگ عمر وقتیکه از طرف عثمان ولید بن عتبّه به عنوان حاکم کوفه منصوب گردید گویند تنها تعداد مردان جنگی (مقاتله) بالغ بر ۴۰/۰۰۰ نفر بودند^۲ با توجه به اینکه اکثر تازه واردین مرد جنگ نبودند و تعداد زیادی از بردگان و اعضای خانواده رزمندگان بودند که کوفه را محل اقامت خود کرده بودند، باید در دهه اول، جمعیت کوفه بالغ بر یکصد هزار نفر شده باشد.

ماهیت نامتجانس مردم کوفه، عمر را برآن داشت تا اینکه توجه خاصی به شهر نو بنیاد کوفه مبذول دارد، عمر مطمئناً با برتریهای قبیله ای که در نظام سیاسی اجتماعی عرب آنچنان پراهمیت جلوه می کرد، ازاقل در کوفه مخالف بود، زیرا می دانست اداره کردن شهری که از تراکم زیاد طوائف و قبائل به وجود آمده، با نظام قبیله ای، بسیار مشکل است بدین جهت ویژگی نامتجانس جمعیت کوفه، زمینه مناسب را برای برقراری نظام سیاسی اجتماعی اسلامی که در آن نظام قبیله ای و تسلط عربی در تفوق و برتری اسلامی حل شود، فراهم آورده بود و همین ایجاب

۱- فتوح البلدان ص ۳۴۳ و ۳۴۴

۲- طبری ج ۳ جز ۵ / ۴۵ طبع مصر

می کرد که رهبری کوفه به دست کسانی سپرده شود که دارای سابقه اسلامی می باشند تا قدرت قبیله ای در قدرت اسلامی حل شود، به قول بعضیها:

"انتخاب عمار یاسر به عنوان حاکم کوفه (مردی که از هیچ مزیت قبیله ای برخوردار نبود ولی او از اولین کسانی بود که اسلام را پذیرفت و زندگی خود را خالصانه وقف اسلام کرد) و نیز عبدالله بن مسعود به عنوان نایب و جانشین او، تجلی روشنی از این سیاست بود"^۳

در زمان انتصاب این دو، عمر به مردم کوفه نوشت: "انی قد بعثت الیکم عمار ابن یاسر امیرا و عبدالله بن مسعود معلما و وزیرا و انهما من النجباء من اصحاب رسول الله (ص) من اصحاب بدر، فتعلموا منهما و اقتدوا بهما"^۴

من عمار را به عنوان حاکم و عبدالله بن مسعود را به عنوان معلم و وزیر به سوی شما می فرستم هر دو از درخشانترین و ممتازترین و با سابقه ترین اصحاب پیامبر می باشند پس دینتان را از آنها فرا گیرید و از آنان پیروی نمائید من شما را برخویشتن ترجیح دادم و گرنه دوست می داشتم آنها نزد من باشند.

البته تاکید بر شایستگی این دو تن به عنوان ممتازترین و با سابقه ترین اصحاب پیامبر، نشان می دهد در انتخاب رهبری کوفه، ارزشهای اسلامی جایگزین ارزشهای عربی و قبیله ای شده است، و حضور بسیاری از اصحاب پیامبر که روح اسلامی را در مردم کوفه القا می کرد، کوفه را به صورت شهر خالص و تمام عیار و جهانی اسلامی درمی آورد و لذا عمر آن را "برج اسلام" یا "قبة الاسلام" و مردم آن دیار را "سرور مسلمین" یا "راس اهل الاسلام" توصیف می نمود^۵ و در وصف مردم کوفه می گفت:

"رمح الله و کنزالایمان و جمحة العرب یجزون ثغورهم و یمددن الامصار"^۶

آنها نیزه خدا، ذخیره ایمان و جمحه اعراب هستند که سنگر مرزی را محافظت کرده و شهرهای دیگر را تقویت می بخشند گرچه هنوز رسوبات افکار جاهلی کاملا از دل او نرفته بود احیانا به مردم کوفه راس العرب نیز خطاب می کرد^۷

۳- تشیع در مسیر تاریخ، دکتر سیدحسین جعفری، ترجمه دکتر آیت اللهی ص ۹۸

۴- طبقات ابن سعد ج ۶ ص ۸

۵ و ۶- طبقات ابن سعد ج ۶ ص ۵

ولی همینکه عثمان بن عفان به جای عمر نشست با اینکه به مسلمانان قبول داده بود که به سیرت شیخین عمل کند ولی در بسیاری از موارد به سیرت شیخین عمل نکرد به اشراف قریش فرصت داد تا درحکومت و اداره جامعه بی‌تازه (جامعه اسلام) که مدتها خود و پدرانشان با آن مبارزه کرده بودند امتیازی را به هیچ وجه مستحق آن نبودند به دست آوردند و کسانی که به عنوان سابقین و مهاجرین و انصار دربین امت اسلامی مزیتی داشتند کنار گذاشته شوند عثمان که در این زمان پیری ضعیف النفس بود میدان را برای تاخت و تاز آنها باز گذاشت "ولید بن عتبہ" را که برادر مادریش بود امارت کوفه را داد انتصاب ولید به عنوان حاکم کوفه، کمک زیادی به رهبران قبیله ای کرد تا قدرت و نیرومندی خود را باز گردانند از این رو روسای قبائل که در زمان عمر نمی توانستند قدرت خود را اعمال کنند، این بار با شدت تمام ظاهر می شوند و بر تارک امور استان قرار می گیرند. در چنین وضعیت اولین تنش شدید به صورت برخورد دو گروه قدرت ظاهر می شود اولین گروه از آنان از اصحاب پیامبر تشکیل می شد که ادعای رهبریشان برکوفه، بر مبنای سابقه گرویدن به اسلام و خدمات اسلامی و بالاتر از همه اعتبار و حیثیتی که پیامبر اسلام برای آنها قائل بود قرار داشت گروه مقتدر دیگر از رهبران قبیله ای تشکیل می شد که دعاوی آنها بر طبق سنت جاهلی عربی، بر اساس ثروتشان و اعتبار قبائلی که آنها را رهبری می کردند، قرار داشت. در نتیجه در زمان عمر که قدرت قبیله ای منکوب شده بود و رهبران قبیله ای نمی توانستند قدرت خود را اعمال کنند در زمان عثمان برتری و رهبری به دست کسانی افتاد که قدرت قبیله ای داشتند و یا متعلق به خاندان حاکم بودند.

و نسبت به موالی که اکثر آنها ایرانی بودند و در زمان عثمان، اعراب رفتار شهروندان طبقه دوم را با آنها داشتند اعراب نه تنها بر علیه آنان این طرز تفکر را که فاتح آنها هستند، تحمیل می کردند بلکه هم چنین موضع برتری نژادی را بر آنان اعمال می نمودند و این طبق دستوری بود که عثمان کتباً به عاملین خود در عراق نوشته بود^۸ این امر به طور طبیعی احساس نارضایتی را در

میان موالی کوفه رشد می داد.

البته براین ساخت جمعیتی، دو مشاهده دیگر را باید افزود:

اولا - کوفه از همان آغاز یک شهر عربی اصیلی مانند مکه، مدینه و حتی دمشق نبود و ثانيا اکثر مهاجرین اولیه کوفه، چه عرب و چه فارس دسته های نظامی بودند که اغلب خانواده همراه نداشتند و کلا برای مدتی به عنوان سپاهی آماده عمل، زندگی می کردند طبیعی است که روحیه شدید انقلابی داشته باشند. آری کوفه که مقصد امام (ع) بود، طوفانی بود نه تنها امروز طوفانی شده بود بلکه از زمان عثمان بارقه ها و برق انقلاب در آن همیشه می زد کوفه در شورش و انقلاب برعلیه عثمان و هیئت حاکمه سهم بزرگی داشت و عده زیادی از شورشیان قضیه عثمان، از کوفه بودند تا مدینه به محاصره عثمان آمدند و بودند تا عثمان کشته شد.^۹

بالاخره کوفه، به جهت موقعیت خاصی که داشت دائما طوفانی بود جزروم های پیاپی، جو کوفه را دائما عبوس و درهم و برهم نشان می داد و از گردبادهای سیاسی انقلاب خیز دائما طوفان بهم می پیچید گرچه بخاطر استقبال گرمی که اهالی کوفه از امام به عمل آوردند و به نظر می رسد که کوفه آمادگی آن را دارد که تسلیم عدالت علی (ع) بشود ولی آن قدر امواج مخالف با وی به ستیزه آمد که شخصیت بی نظیری همچون علی (ع) را خسته کرد، گاهی اصول طبقاتی و گاهی اصول قبیلگی گاهی دیگر موانع حزبی و در مرحله چهارم مزاحمت شخصی اشخاص هم با علی (ع) به ستیز برخاسته بود و سرانجام علی (ع) قربانی همین انقلاب شد.

ورود امام به کوفه

موکب امام در حالی که اشراف و بزرگان بصره، وی را همراهی می کردند، وارد کوفه گردید تمام اهل کوفه، قاریان و اشراف و بزرگان به استقبالش شتافتند^{۱۰} و چنان از امام تجلیل به عمل آوردند که در تاریخ نوین یاد شهرکوفه

۹- مروج الذهب ج ۲ ص ۳۵۲

۱۰- وقعه صفین نصر بن مزاحم منقری ص ۳ چاپ دوم

بی سابقه بود از امام پرسیدند آیا در قصر نزول خواهند کرد، با تعجب فرمود:
کدام قصر؟^{۱۱} " قصر خیال "؟ مرا به " قصر خیال " وارد نسازید.

" قصر الخیال لاتنزلوا فیه = لاتنزلونیه "^{۱۱} یعنی " قصر دارالاماره " نگوئید
" قصر خیال " بگوئید " خیال " آن حالتی است که بدن تعادل خود را از دست
می دهد و مانند آدم مست نمی تواند تعادل خود را حفظ کند.

سعد وقاص وقتی که قصر دارالاماره را در کوفه ساخت سران و رزمندگان اسلام
که هنوز سرشار از ایمان بودند، آن قصر، را " قصر خیال " خواندند^{۱۲} یعنی
نظر بر این بود که اگر حاکم در این قصر منزل کند تعادل فکری و اخلاقی خود را از
دست می دهد بخاطر فشار افکار عمومی بود که عمر دستور داد در آن قصر آتش
زدند، البته اعتراض بر قصر دارالاماره از این جهت بود که در آن بروی مردم بسته
بوده و مردم نمی توانند با حاکم تماس بگیرند و ساکنان آن از وضع و حال مردم
تاریک می مانند و ارتباط آنها با مردم قطع می شود این منشاء بسیاری از خطرها
است.

ولذا وقتی به امام (ع) پیشنهاد شد در هنگام ورود به کوفه که آنها در قصر
دارالاماره منزل خواهد گزید؟ فرمود نه، آنجا فرود نیامد تا اینکه منزلی امام حسن
(ع) برای او در رجه کوفه تعیین فرمود^{۱۳}

امام به هنگام ورود به کوفه به مسجد اعظم تشریف برد و پس از ادای دو
رکعت نماز تحیت، در میان انبوه استقبال کنندگان بالای منبر قرار گرفت،
خطبه ای بدین شرح ایراد فرمود:

"... فالحمد لله الذی نصر ولیه و خذل عدوه و اعز الصادق المحق.
و اذل الکاذب المبطل، علیکم یا اهل هذا المصر بتقوی الله و طاعة من اطاع
الله من اهل بیت نبیکم الذین هم اولی بطاعتکم من...^{۱۴}

۱۱- وقعه صفین ص ۶ این مطلب به تعبیر دیگر نیز در همان کتاب نقل شده است

۱۲- تاریخ طبری ج ۲ جزء ۴ ص ۱۹۳

۱۳- وقعه صفین ص ۳ به احتمال دیگر به منزل جعده بن هبیره مخزومی وارد شده
وقعه صفین ص ۵

۱۴- ارشاد مرحوم مفید ص ۱۲۴ ظاهرا مرحوم مفید قسمت اول این خطبه را
انداخته است مراجعه شود به وقعه صفین صفحه ۳

پس از حمد و ثنای پروردگار متعال فرمود سپاس خداوندی را که دوست خود را یاری داد و دشمن را درمانده و سرافکنده ساخت و راستگوی حق دار را عزیز کرده، و دروغگوی نادرست را خوار و زبون ساخت.

ای مردم این شهر بر شما باد پرهیزگاری از خدا و پیروی آن کس که خدا را فرمانبردار است از خاندان پیامبران، آن کسانی که آنان به فرمانبرداری سزاوارترند از کسانی که فرمانروائی را به خود بستند به دروغ ادعای آن کنند و مردم را بسوی خود خوانند و گویند به سوی ما آئید و به فضیلت و برتری مافضیلت جوئید (یعنی به وسیله آن فضائی که در ما است برخورد ما برتری جوئید) و امر ما را انکار کنند و در حق ما با ما ستیزه کنند و حق ما را از ما جلوگیری کنند و به حقیقت چشیدند نتیجه بد آنچه را که به دست آوردند و زود باشد که بدتر از آن در آخرت ببینند.

از اینجا با آمدن امام به کوفه، بحرانی ترین مرحله تاریخ کوفه آغاز شد البته آمدن امام (ع) به کوفه، نه از این جهت بود که می خواست آنجا را بجای مدینه مرکز حکومت خود قرار دهد بلکه به همین منظور بود که حمایت بیشتر مردم کوفه را برای مقابله بسیار شدیدتری با معاویه سازمان دهد خود امام در یکی از خطبه هایش به این مطلب اشاره کرده است که آنجا که می فرماید:

اما والله ما اتيتكم اختيارا ولكن جئت اليكم سوفا^{۱۵} آگاه باشید به خدا سوگند من به میل خود به سوی شما نیامده ام بلکه از روی ناچاری بود.

جنگ جمل ثابت کرد قسمت اعظم کوفیان طرفدار علی (ع) هستند و این برخلاف انتظار هم نبود زیرا اهالی کوفه اولین کسانی بودند که با راهنمایی مالک اشتر با علی (ع) بیعت کرده بودند^{۱۶} ولیکن رهبران قبیله ای مانند اشعث بن قیس، جبرین عبدالله و سعد بن قیس و دیگر سنت گرایان جاهلی و طرفداران برتری نژادی که در طول حکومت عثمان به کوفه هجوم برده بودند، بدون شک همان ترسی را که مکیان و امویان از حکومت علی (ع) احساس می کردند آنها نیز داشتند.



۱۵- نهج البلاغه از خطبه ۷۱

۱۶- الامامه والسياسة ج ۱ ص ۴۷